نیم‌رخ

جهادگر جهانی

چشم پزشک است و عینکی که به چشم دارد ما را یاد همان مثل قدیمی «کوزه گر از کوزه شکسته آب می‌خورد» می‌اندازد. آرام است و پزشک بودنش بیشتر به چشم می‌آید تا منصب‌اش به عنوان یک سیاستمدار. نه به راست گرایش دارد، نه چپ. در حالی که از دو طیف در خانواده‌شان هست. برادر بزرگ‌تر شان سیدحسین، که نماینده دوره‌های دوم و سوم مجلس بود، اصلاح‌طلب است و پسرعمویش، سیدامیرحسین نماینده حال حاضر مشهد و عضو جبهه پایداری. تا یکسال پیش که به شهرک غرب بیاید سه جا می‌شد سراغش را گرفت: بیمارستان فارابی، مرکز تخصصی چشم پزشکی نور و دانشگاه تهران. چهره‌ای علمی و دانشگاهی است که حالا در دولت اعتدال گرا کلیددار بهداشت و درمان مملکت شده. او یک جراح است. جراحی یک مهارت است و هنوز هم روزهای تعطیل به فارابی می‌رود و جراحی می‌کند، تا دانش و مهارت پزشکی‌اش را به نرد سیاست نبازد. او فروردین ماه سال ۱۳۳۸ در فریمان مشهد در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش سیدحسن قاضی‌زاده، عطاری داشت و از کسبه مورد وثوق فریمان بود. هنوز به سن مدرسه نرسیده بود که پدرش او را فرستاد به محضر شیخ حسین مطهری -پدر شهید مطهری- تا قرآن بیاموزد. ابتدایی را که تمام کرد به مشهد آمد تا ۶ سال دوم را بگذراند. از شاگردی در سخوان‌های مدرسه بود که یک راست وارد دانشگاه پزشکی مشهد شد. تخصص چشم را از همین دانشگاه گرفت و برای فوق تخصص به دانشگاه شهید بهشتی آمد. قبل از انقلاب به همراه خیل عظیم جوانان آن روزگار در رخدادهای سیاسی و اجتماعی مشهد تأثیر گذار بود و پس از انقلاب نیز از جمله مؤسسان سازمان جهادسازندگی کشور به حساب می‌آمد. جنگ که شروع شد ۳۳ ماه را در واحد طراحی مهندسی رزمی در جبهه‌ها حاضر بود. قاضی زاده دومین وزیر چشم پزشک پس از «طریقت منفرد» است که معتقد است نیم بیشتر اعضای کابینه پیرچشمی دارند. وی در میانه سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده و به واسطه ده‌ها کتاب تألیفی و صدها مقاله جهانی و ابداع ۲۱ روش جراحی در رشته چشم پزشکی، او را یک دانشمند جهانی می‌دانند. وی با توجه به حساسیتی که درباره حوزه کاری‌اش دارد، به تازگی با نسخه‌ای که مجلس برای بودجه و اعتبارات وزارتخانه متبوعش بسته، راهی بیمارستان شده است تا برای قلبش تحت درمان قرار گیرد. هاشمی در این چند ماه همواره روی اعتبارات ناکافی سیستم بهداشتی انگشت گذاشته است.

فائزه هاشمی در انجمن دفاع از آزادی

آیت‌الله از بزرگان انقلاب است و «فائزه هاشمی رفسنجانی» صبیه کوچک او؛ زنی که همواره از خود چهره یک بانوی سیاستمدار را به نمایش گذاشته است.

فائزه را یک سیاستمدار اصلاح‌طلب می‌شناسند. نمایندگی مجلس، عضویت در حزب کارگزاران، ریاست فدراسیون اسلامی ورزش بانوان و مدیر مسئولی روزنامه زن از جمله فعالیت‌های اوست.

روزنامه زن، اولین روزنامه‌ای بود که پس از انقلاب با این عنوان و مشخصاً با محوریت مسائل زنان منتشر شد؛ اگرچه عمرش به دو سال هم قد نداد.

فائزه حالا پس از طی فراز و فرودها، ۵۰ را پر کرده. هفته پیش به عنوان رئیس انجمن دفاع از آزادی بیان انتخاب شده است؛ انجمنی که چند سالی به دلیل «انسداد گفت‌وگو با دولت» دچار خود تعطیلی شده بود.

نمای نزدیک

پدرسالار ناخوش اما سرپاست

هفته گذشته برای بار دوم در میان مردم شایعه افتاد که پیر همیشه منتقد سینمای ایران از دنیا رفته است!

مگر می‌شود سربداران را ببینیم و بازی ماندگار محمدعلی کشاورز را در این فیلم نادیده بگیریم. مگر می‌شود نقش شعبون استخوانی را در هزار دستان از یاد ببریم و یا آن نقش آفرینی زیبا در فیلم پدرسالار را؛ همان پیرمرد خشن و سنتی که داد همگان را درآورده بود و البته همین پیرمرد توانسته بود میلیون‌ها بیننده را میخکوب جعبه جادویی کند. چهره‌اش در فیلم «مادر» علی حاتمی هنوز که هنوز است در جلوی چشمهایمان است. محمدعلی کشاورز برای همین فیلم نیز نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. کشاورز هنرمندی است که با عشق و علاقه بسیار هر نقشی را که بازی می‌کند، تنها به دنبال یک چیز است، این که آن نقش را ماندگارترین نقش زندگی‌اش کند. طی روزهای گذشته دوباره خبری پیچید که او فوت شده! که البته دروغ بود؛ اگرچه حال و روز این پیر هنرمند چندان خوب نیست و معاون وزیر ارشاد را بر آن داشت تا به ملاقاتش برود و از حالش جویا شود. خودش درباره حال و احوال یکی از شب‌هایش گفته: «از خواب بیدار شدم. حال خوبی نداشتم؛ احساس کردم که سرم گیج می‌رود. خواستم از تخت پایین بیایم که در یک لحظه تعادلم را از دست دادم و محکم زمین خوردم، خیلی درد کشیدم. همین زمین خوردن باعث شد پایم از چند نقطه بشکند. من تنها زندگی می‌کنم، فقط گاهی خواهر یا برادرم پیشم می‌آیند و تیمارم می‌کنند. آن شب هم تنها بودم و همسایه‌ها با شنیدن صدای من متوجه شدند که اتفاقی افتاده و به سراغم آمدند. آنها بودند که مرا به بیمارستان بردند.» محمدعلی کشاورز سالهای سال است که تنها زندگی می‌کند. او در سال ۵۲ از همسرش جدا شد و بعد از آن هم دیگر ازدواج نکرد. حاصل آن ازدواج دختری به نام نلی است. نلی در بلژیک زندگی می‌کند و آنجا استاد نقاشی است.

کشاورز ۸۲ سال پیش در منطقه جلفای اصفهان به دنیا آمد. تبارش به ارامنه گرجستان می‌رسد که در زمان شاه عباس به ایران آمدند و مسلمان شدند. او در منطقه‌ای به دنیا آمده است که سابقه‌ای طولانی در زمینه موسیقی، نقاشی، منبت‌کاری، قالی‌بافی، قلم‌کاری و قلمزنی دارد. مردم منطقه جلفا اکثراً با ترانه‌های محلی و اجتماعی و اشعار سعدی و حافظ همخو بودند و شب‌های طولانی زمستان‌ها می‌نشستند و شاهنامه می‌خواندند.

دوران کودکی را در اصفهان و تحت تأثیر همین فضا سپری کرد؛ به تماشای نمایشنامه‌هایی می‌نشست که در قهوه‌خانه‌ها برای تفریح و سرگرمی مردم اجرا می‌شد. ۱۲ ساله که شد کم کم سینما هم آمد و همین صنعت جادو او را محو خود

رخداد

حجاب و عفاف، موضوعی فرهنگی

کارکرد گشت‌های ارشاد به عنوان نهادی اجرایی- که به مقوله حجاب می‌پردازد- سال‌هاست که مورد نقد و بررسی دست اندرکاران فرهنگی بوده است.

این کارشناسان «حجاب و عفاف» را مسأله‌ای فرهنگی عنوان می‌کنند و راه تصحیح و حتی تقبیح آن را هم فرهنگی می‌دانند! اخیراً اما این حجت الاسلام صالحی منش استاندار قم بوده است که برخورد پلیسی با حجاب را مورد نقد قرار داده و گفته است: «اعتقادی به کار پلیسی در مسأله حجاب ندارم و گشت ارشاد نمی‌تواند حیا و حجاب را در جامعه نهادینه کند.»

او اضافه کرده است: «اصلاً موافق اقدامات بانوان گشت ارشاد نیستم، امروز دختران ما باید داوطلبانه خواستار حیا، عفت و حجاب باشند و با زور نمی‌توانیم آنها را وادار به این رفتار کنیم؛ بلکه تربیت صحیح در این زمینه کارساز خواهد بود.»

ارشد ۹۳ در سلامت کامل

«سؤالات آزمون ارشد لو نرفته و داوطلبان کاملاً مطمئن باشند»؛ این اطمینانی است که دکتر حسین توکلی، مشاور عالی سازمان سنجش به داوطلبان متقاضی شرکت در آزمون ارشد داد.

بارش سنگین برف و عقده گشایی ننه سرما گریبان کنکور ارشد را هم گرفته بود تا زمان این آزمون یک هفته به تعویق بیفتد و تا داوطلبانی که به خودی خود استرس آزمون ارشد را داشتند ذهنشان درگیر دغدغه جدیدی به عنوان لورفتن سؤالات شود.

اما توکلی با حصول اطمینان از اینکه طبق سنوات گذشته همه تدابیر امنیتی و حفاظتی طبق روال پیش‌بینی شده و سؤالات در قرنطینه کامل بوده، خط بطلانی بر تمام شائبات کشید تا داوطلبان روزهای آزمون را با خیال راحت از اینکه همگان در برابر آزمونی مساوی سنجیده می‌شوند، سپری کردند و با آرامش بر جلسه حاضر شدند.

احیای سنت فراموش شده

در چند سال اخیر برخی از فرهنگ های خوب ما دستخوش تغییر شده و «فرهنگ عذرخواهی» نیز از این جمله بوده است.

در سال‌های گذشته، متأسفانه فرهنگ عذرخواهی را بین مردم و مسئولان به ندرت دیده‌ایم. مسئولان نه تنها در مقابل عمل اشتباه خود عذرخواهی نکرده، بلکه در مقام یک مدعی نیز ظاهر می‌شدند.

حالا به نظر می‌رسد دولت جدید می‌خواهد آهنگ سیاسی تازه‌ای را درپیش بگیرد. این بار «حسن روحانی» با تریبون سیمای جمهوری اسلامی‌ایران، برای نخستین بار از مردم به خاطر توزیع سبد کالا و اختلالاتی که در این باره برای مردم پیش آمد، عذرخواهی کرد؛ اتفاقی که در نوع خود کارساز و در فرهنگ‌سازی سیاسی و ارتباط دولت و ملت تأثیرگذار است. حسن روحانی تأکید کرد: «مردم در دریافت سبد یارانه به زحمت افتادند و من به عنوان رئیس‌جمهور عذرخواهی می‌کنم.»